

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

هفته‌ی دوازدهم (شناخت عظمت احساس) ۳۱ فروردین ۹۰

۱۶ جمادی الاول ۱۴۳۲ (هفته‌ی سوم ماه جمادی الاول)

شکر، بهترین آغاز است که در جان‌ها، معرفت شناخت را مانند چراغی بیفروخت تا در انوارش راه هدایت را بیابیم و جز آن راه را نرویم.

سؤال کرده بودیم که هر گروهی نسبت به رشدی که دارد احساس را معنا کند، معمایی که اسرارش، سر آفرینش است و هیچ کلیدی جز به اذن پروردگار عالم آن را نمی‌گشاید پس باید در مرحله‌ی اول، این نعمت بزرگ را بشناسیم.

آنچه انسان در عواطف وجودی‌اش به آن بها می‌دهد احساس نام دارد، مانند عواطف ظاهری و باطنی. عواطف ظاهری در ظاهر امر قابل رؤیت است، مانند گرسنگی که اعلام می‌شود و همگان شخص گرسنه را می‌بینند که با خوردن غذا سیر می‌شود و احساسش با سیری شکمش از بین می‌رود ولی احساس باطنی قابل رؤیت نیست و اعلام نمی‌شود مانند کسی که مشغول تفکر است و اگر سؤال کنید: الآن چه احساسی داری؟ پاسخ صحیحی نمی‌دهد و شما قادر به درک آنچه از تفکرش مخفی کرده نیستید. پس عظمت احساس را شناختید.

حالا به اندیشه‌ی سنین ۱۵ تا ۲۵ سال پاسخ می‌دهیم:

با توجه به امیال و کشش‌های نفسانی که در این سن وجود دارد بیشتر تفکرات و احساس‌های تنهایی این گروه سنی مجذوب جاذبه‌های اطرافشان است پس با شنیدن یک پیام می‌خندند و یا اندوهناک می‌شوند، دوامی در آنچه دوست می‌دارند وجود ندارد پس در لحظات تنهایی به اندیشه‌ای مشغول‌اند که نامش احساس پایدار نیست و اگر پایه‌ی زندگی‌شان را بر مبنای آن قرار دهند مرتباً باید تعمیرات اساسی را در ساختار ساختمان وجودی داشته باشند و هرگز خانه‌ی جانشان از بنایی نجات نمی‌یابد پس بهترین راه احساس‌های این سن، مشاوره است و دست مهربان پدر و مادر.

و گروه سنی ۲۵ تا ۴۰ سال:

احساس تنهایی و اندیشه در این سن معنا ندارد چون درگیری‌های فکری مانع پایداری احساس می‌شود و بیشترین زمانِ عمر، صرفِ احساس‌های ظاهری است، در احساسش یا از عمر و زندگی‌اش راضی است یا ناراضی. گاهی نارضایتی طوفانی خانه‌مان سوز می‌شود و آشیانه‌ی آبادی را ویران می‌کند و تفکرات و احساس‌ها صرف ساعات پشیمانی و یا حق‌مداری. مانند گذشته با یک پیام شاد نمی‌شود، آب دیده‌تر شده ولی عمق وجودش را غبار اندیشه‌ی فردای نیامده در هم پیچیده و بدون اینکه متوجه باشد، روزهای عمر می‌گذرد و او نیازی را حس می‌کند که نامش ساعت تنهایی است، چاره‌ی کار را جدا شدن از افکارش می‌بیند پس با رزمی که با خود می‌کند از مدار بسته‌اش می‌گریزد ولی باز به دام می‌افتد و اگر از او سؤال کنی به چه می‌اندیشی؟ می‌گوید: نمی‌دانم با مشکلاتم چه کنم. مشکلات زندگی در این سن، میدان سنجش عقل است، باید بتواند مصلحت اندیش باشد و مشکل را در چهار چوب امکاناتش حل کند تا در وجودش خلأ زمان جا نگیرد.

و سنین ۴۰ سال به بعد:

سینه‌های این گروه سنی مانند صندوقچه‌های پر رمز و راز است که بیننده در وهله‌ی اول ظاهرش را می‌بیند، بعد با خود می‌گوید: عجب صندوقی، چه با صلابت است. می‌خواهد بداند درونش چیست، با علاقه و کنجکاوی منتظر می‌شود در آن باز شود، درش که باز می‌شود درون‌ها، درون صندوق است، هدیه‌های نوجوانی و جوانی و اکنون که در سن عقل و رشد و احساس عمیق است هر کدام از وسایل صندوقچه حکایتی دارد که شنونده را یا غرق در شادی می‌کند و یا اندوهی که حکایت از جراحتی عمیق دارد پس تفکرات این گروه سنی با احساسشان هماهنگی دارد، اندیشه‌ی موقع تنهایی یا دغدغه‌ی توشه‌ی گذشته است و یا نگرانی از تنهایی در آینده، اگر به آن‌ها بنگری از صورت ظاهری‌شان متوجه درونشان نمی‌شوی به دلیل افکارهای پیچیده‌ای که از احساس‌های زودگذر خالی است و زمان حال مجهول.

حال، به دلیلِ واقع شدن در لحظه‌اش قابل درک نیست پس در وجودش یا احساس خشنودی است یا ندامت، درحالی‌که سن، گویای گذشت زمان است و نمی‌تواند احساس را با خود همراه کند، احساسِ لحظه‌ی تنهایی احساسی است که شکری را در ذهن داشته باشد شکرِ عمری که هنوز می‌تواند برکتی داشته باشد بر تجربه‌های گذشته، تجربه‌هایی که اگر در خود ندامتی به همراه دارد آن احساس را با امید به جبران تقویت کند، اندیشه‌ی تنهایی‌اش عمری باشد که در صندوقچه‌اش جز رضایت، متاعی یافت نشود.

پس مرحله‌ی درمان را در احساسات خود شروع کنید و با غلبه بر باطل‌ها آن‌ها را حق مدار کنید و برای هفته‌ی آینده نحوه‌ی درمان خود را شرح دهید تا بتوانید سؤال [در](#) [حال حاضر چطورید؟](#) را پاسخ دهید.

پروردگار عالم وعده فرموده، نجات دهنده از غم و تنهایی است، پس بهترین احساس، با خداوند بودن است.

اللهم عجل لوليک الفرج